





دانشکده الهیات و معارف اسلامی (شهید مطهری)

پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی گرایش  
کلام اسلامی

عنوان: رابطه علم با وجود

استاد راهنما: دکتر سیدمرتضی حسینی شاهرودی

استاد مشاور: دکتر عباس جوارشکیان

محمد فروغی

زمستان ۱۳۹۰

## تقديم

الى مولانا و مقتدانا وسيدنا و حبيب قلوبنا، الذى لا فرق بينه و بين الله الا  
انه عبده، الذى سيظهر بالربوبيه بعد ما ظهر آباءه الطاهرين بالعبوديه،  
مقبض فيوضات الاحمديه، الامام، ابوالقاسم محمد بن الحسن العسكرى،  
روحى و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء.

## سپاس

لازم است در اینجا مراتب تشکر و قدردانی خود را از استادانم آقایان دکتر شاهرودی، دکتر جوارشکیان، استاد گرامی دکتر کهنسال (زید عزه) و سرور عزیز دکتر مسعودی و سایر اساتید گرامی اعلام کنم. بی شک بدون راهنمایی و کمک‌های این بزرگواران این وجیزه آماده نمی شد.

همچنین لازم است از خانواده و همسر گرامیم که همیشه باعث دلگرمی من بوده‌اند تشکر نمایم.

# اظهارنامه

اینجانب: محمد فروغی  
دانشجوی دوره: کارشناسی ارشد  
رشته: فلسفه و حکمت اسلامی  
دانشکده: الهیات دانشگاه فردوسی مشهد  
نویسنده رساله/پایان نامه: رابطه علم با وجود  
تحت راهنمایی: دکتر سید مرتضی شاهرودی  
متعهد می‌شوم:

- تحقیقات در این رساله/پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- در استفاده از نتایج پژوهش‌های محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- مطالب مندرج در رساله/پایان نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد و مقالات مستخرج با نام «دانشگاه فردوسی مشهد» و یا «Ferdowsi University of Mashhad» به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی رساله/پایان نامه تأثیرگذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از رساله/پایان نامه رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این رساله/پایان نامه، در مواردی که از موجود زنده (یا بافت‌های آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این رساله/پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ امضای دانشجو

## مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.
- استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در رساله/پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد.



بسمه تعالی.  
مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان.  
دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه: رابطه علم با وجود

نام نویسنده: محمد فروغی  
نام استاد(ان) راهنما: دکتر سید مرتضی شاهرودی  
نام استاد(ان) مشاور: دکتر عباس جوارشکیان

رشته تحصیلی: کلام اسلامی	گروه: فلسفه و حکمت	دانشکده: الهیات و معارف اسلامی
--------------------------	--------------------	--------------------------------

تاریخ دفاع:	تاریخ تصویب:
-------------	--------------

تعداد صفحات:	مقطع تحصیلی: <input checked="" type="radio"/> کارشناسی ارشد <input type="radio"/> دکتری
--------------	---

چکیده رساله/پایان نامه :  
در این پایان نامه سعی شده است رابطه میان علم و وجود از زوایای مختلف بررسی گردد: رابطه علم باری تعالی با وجود موجودات (اعیان ثابته و اعیان خارجی) همچنین رابطه میان علم انسان در دنیا با ایجاد صور برزخی متناسب با آنها در عوالم برزخ و قیامت همچنین رابطه علم انسان با افعال و اعمال صادره از او در عالم ماده.

امضای استاد راهنما:

تاریخ:

کلید واژه:

۱. علم
۲. علم باری تعالی
۳. ایجاد
۴. صور برزخی
۵. تجسم اعمال.

## فهرست مطالب

فصل اول: کلیات	۳
مقدمه	۳
معرفی و تبیین مساله	۴
بخش اول: تعاریف لغوی	۴
تعاریف لغوی علم	۴
تعاریف لغوی وجود	۵
سایر تعاریف لغوی	۵
بخش دوم تعاریف اصطلاحی	۷
تعاریف اصطلاحی علم	۷
تعریف فلسفی علم	۷
تعریف ابن سینا از علم	۸
تعریف صدرالمتهلین از علم	۹
تعاریف اصطلاحی وجود	۹
وجود نزد عرفا	۱۰
تعاریف اصطلاحی تجسم اعمال	۱۱
تعاریف اصطلاحی معاد	۱۳
سه نظر و فرض ارایه شده در مورد معاد	۱۳

- عالم برزخ ----- ۱۶
- فصل دوم: بررسی علم باری تعالی و نحوه آفرینش ----- ۱۷
- مقدمه ----- ۱۷
- تبیین دیدگاه مشایین درباره علم خداوند ----- ۱۷
- علم خداوند؛ علم حصولی فعلی تام ----- ۱۸
- دیدگاه صدرالمألهین درباره علم واجب تعالی ----- ۱۹
- بیان چند اصل ----- ۲۰
- خالق باید از نظر رتبه (مرتبه) از مخلوق برتر و والاتر باشد ----- ۲۱
- بین خالق و مخلوق باید سنخیت وجود داشته باشد ----- ۲۱
- خالق باید موجود مجرد باشد ----- ۲۲
- خالقیت واجب الوجود باید عین ذات او باشد ----- ۲۳
- نتیجه ----- ۲۳
- فصل سوم: ارتباط علم با افعال در عالم ماده ----- ۲۴
- مقدمه ----- ۲۴
- رابطه و تاثیر و تاثر نفس و بدن ----- ۲۴
- تاثیر تصورات و تصدیقات در بدن ----- ۲۵
- ارتباط نفس و بدن سبب هیئت حال و ملکه ----- ۲۵
- مبادی بعضی از امور نفس است و بعضی دیگر بدن ----- ۲۶
- چگونگی ارتباط نفس مجرد با بدن مادی ----- ۲۶



- ۲۷ ----- ذکر یک نکته تکمیلی
- ۲۷ ----- خاتمه
- ۲۷ ----- رابطه نفس با عالم خارج
- ۲۸ ----- تمهید مقدمات و اثبات مدعا
- ۲۸ ----- معجزه: یک نمونه بارز از تاثیر قدرت نفس در عالم خارج
- ۲۸ ----- دیدگاه اول: اعجاز فعل خداوند
- ۳۰ ----- ادله دیدگاه اول
- ۳۶ ----- دیدگاه دوم: اعجاز فعل پیامبران
- ۳۶ ----- توضیح دیدگاه دوم
- ۴۱ ----- ادله نظریه دوم
- ۴۵ ----- تحلیل و بررسی
- ۴۷ ----- نظریه مختار
- ۵۰ ----- فصل چهارم: صور برزخی و عالم مثال
- ۵۰ ----- مقدمه
- ۵۲ ----- بخش اول تجسم اعمال در منظر قران کریم
- ۵۴ ----- تحلیل بعضی آیات قران کریم
- ۶۳ ----- نتیجه گیری کلی از شواهد آیات
- ۶۵ ----- بخش دوم: تجسم اعمال در فلسفه اسلامی
- ۶۵ ----- مقدمه

۶۶	مقدمات فلسفی بحث تجسم اعمال
۶۶	تجرد نفس
۶۷	ارتباط نفس با خارج
۶۸	تألم و تلذذ نفس از صور علمی
۶۸	نتیجه گیری
۷۱	آثار و خواص ماهیت‌ها در نشأت مختلف
۷۴	کیفیت عذاب حسی
۷۶	رابطه تجسم اعمال با دیگر مباحث در حکمت متعالیه
۷۶	بخش سوم: تجسم اعمال در منظر علم کلام
۷۷	بیان چند روایت
۸۵	جمع‌بندی روایات مربوط به تجسم اعمال
۸۷	فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۹۰	فهرست منابع

## مقدمه

در این پایان‌نامه سعی شده است رابطه میان علم و وجود از زوایای مختلف بررسی گردد: رابطه علم باری تعالی با وجود موجودات (اعیان ثابت و اعیان خارجی) هم‌چنین رابطه میان علم انسان در دنیا با ایجاد صور برزخی متناسب با آنها و رابطه علم انسان با افعال و اعمال صادره از او در عالم ماده. این مطلب تا کنون به صورت منسجم و تحقیقی در جایی بررسی نشده است و لازم است که مطالب مربوطه از کتب فلسفی جمع‌آوری و تدوین شود؛ لازم به ذکر است گرچه در سایر تحقیقات و کارهای دیگران این مطالب به صورت جسته و گریخته مورد بررسی قرار گرفته است ولی در جایی به صورت منسجم و یکجا جمع‌آوری نشده است.

## پرسش‌های اساسی تحقیق

۱. علم چیست و چه ماهیتی دارد؟
۲. آفرینش چیست و چه ارتباطی با علم باری تعالی دارد؟
۳. ابدان مثالی چگونه ایجاد می‌شوند؟ تمثیل اعمال چگونه است و چه ارتباطی با علم اندوخته شده در دنیا دارد؟
۴. رابطه علم اشخاص با اعمال و افعال صادره از آنها در عالم ماده چیست؟.

## فرضیه‌ها یا پاسخ‌های احتمالی تحقیق

- ۱- علم حضور معلوم نزد عالم است.
- ۲- خلق ظهور علم باری تعالی است.

۳- ابدان مثالی در عالم برزخ، ظهور صورت‌های علمی نفس است.

۴- حتی در عالم ماده هم افعال به واسطه علم انجام می‌شوند و کرامات و خوارق

عادات هم به سبب علم ولی یا نبی حاصل می‌شوند.

### پیشینه تحقیق

با توجه به جستجوهای انجام شده در پایگاه‌های مقالات می‌توان گفت که تا کنون تحقیقی در

این زمینه صورت نگرفته است و این کار جدید و نو می‌باشد. با توجه به عدم وجود سابقه

تحقیق در این زمینه، این تحقیق تماماً جدید می‌باشد.

## فصل اول: کلیات

معرفی و تبیین مسئله

بررسی تعاریف لغوی

بررسی تعاریف اصطلاحی

مقدمه:

تعریف لغوی (شرح‌الاسم) به معنی تفسیر یک کلمه به وسیله کلمه‌ای مأنوس‌تر از آن می‌باشد. مثلاً اگر بگوییم: «علم یعنی دانستن»، و یا بگوییم: «وجود یعنی هستی»، از شرح‌الاسم استفاده نموده‌ایم. این نوع تعریف بیشتر در کتاب‌های لغت (لغتنامه‌ها) متداول است. ما می‌توانیم به چند شیوه پرسش «چیست؟» (یا به عربی «ما؟») را بپرسیم. آن «ما»ی (یا «چیست»ای) که سؤال از معنی لفظ کند، «ما»ی شارحه یا شرح‌الاسم نامیده می‌شود. در مقابل، سؤال از حقیقت و ماهیت شیء قرار دارد که «ما»ی حقیقیه نام دارد. به عنوان نمونه اگر پرسند «عنقا چیست؟ (ما العنقاء؟)» و منظور، معنی لغوی عنقا باشد، با ما‌ی شارحه روبه‌رو هستیم و جواب، این است: «عنقا یعنی سیمرغ». این تعریف، شرح‌الاسم یا تعریف لغوی عنقا است. در این تعریف، عنقا را به سیمرغ (که برای ذهن مأنوس‌تر از عنقا است)، تعریف کرده‌ایم. اما اگر منظور، ما‌ی حقیقیه باشد، باید در جواب، حد تام آن را بیاوریم، زیرا از حقیقت و ماهیت اصلی عنقا سؤال شده و بنابراین، باید این ماهیت را بیان کرد. (مثلاً باید گفت «عنقا پرنده‌ای است خیالی که بسیار زیبا است و پرهای بزرگی دارد و می‌تواند به زیباترین وجه، آواز بخواند و...».) این تعریف، دیگر شرح‌الاسم نیست؛ بلکه شرح‌الماهیه یعنی بیان ماهیت عنقا است.

بنا بر مشرب صدرالمتالهین علم از سنخ وجود و بلکه عین وجود می‌باشد.<sup>۱</sup> مسئله رابطه علم با وجود به نحوی به مسئله رابطه وجود ذهنی با وجود خارجی برمی‌گردد.<sup>۲</sup> این مسئله را می‌توان در ساحت‌های مختلف مورد بررسی و مذاقه قرار داد: علم باری‌تعالی و رابطه آن با اعیان‌ثابته و اعیان خارجی. علم انسان‌ها و رابطه آن با صور برزخی و تجسم اعمال و نهایتاً رابطه علم انسان با اعیان خارجی.

این سه ساحت در سه فصل بررسی خواهد شد و نهایتاً در فصلی مستقل به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

#### بخش اول: تعاریف لغوی

در بخش اول از این فصل به بررسی تعاریف لغوی ارایه شده برای علم، وجود، موجود و ایجاد خواهیم پرداخت.

#### تعاریف لغوی علم

علم را به «چیزی که احتمال در آن داخل نمی‌شود» تعریف نموده‌اند.<sup>۳</sup> «البته در بیشتر مواقع بر اعتقاد راجح مستدل بدون در نظر گرفتن یقینی بودن آن اطلاق می‌شود».<sup>۴</sup> علم به «معرفت» هم تفسیر شده است، همان‌گونه که معرفت هم به علم تأویل شده است، زیرا هر دو در «مسبوق بودن به جهل» مشترک می‌باشند.<sup>۵</sup> در المنجد به معنی ادراک حقیقت شیء، یقین و معرفت آمده

---

1 صدرالمتالهین، الاسفار الاربعه، ۶، ۲۴

2 همان، ۱۴۹

3 طریحی، فخرالدین، جمع البحرین، ۶، ۱۲۱

4 همان

5 همان

است.<sup>۱</sup> خلیل ابن احمد علم را نقیض جهل دانسته است.<sup>۲</sup> مؤلف لسان العرب نیز آن را نقیض جهل و از صفات مشترک بین خداوند و انسان دانسته است.<sup>۳</sup> می توان از بین تعاریف فوق، تعریف «آگاهی و دانش» را برگزید.

#### تعاریف لغوی وجود

وجدان به معنی درک کردن و به دست آوردن می باشد: «وجدت الشیء» یعنی آن را به دست آوردم.<sup>۴</sup> گاهی «وجد» را به معنی «علم» تفسیر نموده اند، مثلاً در کریمه «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَتَوَّأَى»<sup>۵</sup> به معنی «علم» تفسیر شده است یا در جایی دیگر با استناد به کریمه «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا»<sup>۶</sup>، عدم وجود را به عدم امکان استعمال برگردانده اند، حتی در صورت موجود بودن،<sup>۷</sup> هم چنین است کریمه «وَلَيْسَتَغْفِبَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا».<sup>۸</sup> «واجد» را به غنی ای که قدرت دارد شرح کرده اند. «وجد» را به معنی دیدن و ملاقات نیز آورده اند: «وجد ضالته».<sup>۹</sup> «الوجود» را به «خلاف عدم» معنی کرده اند و «الوجدان» را از قوای باطنی نفس دانسته اند.<sup>۱۰</sup>

#### سایر تعاریف لغوی

تجسم در لغت به معنی جسمیت یافتن و یا جسمی شدن می باشد.

معاد به معنی بازگشت و رجوع می باشد

برزخ به واسطه میان دو امر گفته می شود

1 معلوف، لويس، المنجد، ۵۲۷

2 خلیل ابن احمد، كتاب العين، ۲، ۱۵۲

3 ابن منظور، لسان العرب، ۱۲، ۴۱۷

4 خلیل ابن احمد، كتاب العين، ۶، ۱۶۹

5 الضحی، ۶

6 نساء، ۴۳

7 طریحی، فخرالدین جمع البحرین، ۳، ۱۵۴

8 النور، ۳۳

9 طریحی، فخرالدین جمع البحرین، ۳، ۱۵۵

10 همان، ۱۵۶





## بخش دوم: تعاریف اصطلاحی

در بخش دوم از این فصل به بررسی تعاریف اصطلاحی ارایه شده برای علم، وجود، موجود و ایجاد خواهیم پرداخت.

### تعاریف اصطلاحی علم

به گفته مظفر «علم یا ادراک عبارت است از انطباق صورت اشیاء در نفس تو، تفاوتی بین مدرکات تو در همه مراتبشان وجود ندارد، همان‌گونه که صورت اشیاء در آئینه نقش می‌بندند. به همین دلیل تعریف علم را این‌گونه بیان نموده‌اند: حضور صورت شیء نزد عقل»<sup>۱</sup>.

علم عبارت است از مطلق ادراک چه ادراک تصویری، چه ادراک تصدیقی، چه یقینی و چه غیر یقینی. این ادراک می‌تواند به شیوه‌های گوناگون واقع گردد:

۱. تعقل یا حصول صورت شیء در ذهن.

۲. ادراک کلی چه مفهومی و چه حکمی.

۳. اعتقاد جازم مطابق واقع.

۴. ادراک شیء چنانکه هست.

۵. ادراک حقایق اشیاء و علل آنها.

۶. ادراک مسائل از روی دلیل.

۷. ملکه حاصل از ادراک مسائل.

### تعریف فلسفی علم

---

۱ مظفر، محمدرضا، المنطق، ۱۵

در فلسفه، علم از اموری است که انیت آن عین ماهیت آن است و از این جهت تعریف آن ممکن نیست، زیرا حدود مرکب از اجناس و فصولند و امور بسیط دارای جنس و فصل نمی‌باشند و از این جهت علم قابل تعریف نمی‌باشد و چون بسیط است قابل انقسام نیست.<sup>۱</sup>

در اینکه آیا علم قابل تعریف و شناسائی هست یا نه و از امور بدیهی است یا کسبی اختلاف است غزالی علم را از امور اکتسابی و نظری می‌داند، ولی رازی علم از امور بدیهی می‌داند، زیرا آنچه غیر علم است به علم شناخته شود و اگر بخواهیم علم را تعریف کنیم دور محال لازم می‌آید<sup>۲</sup> و هر کس به ضرورت و وجدان به وجود خود عالم است و علم هر کس به وجود خود علم خاص بدیهی است و بداهت خاص مستلزم بداهت عام است.

علم نزد حکما مشاء شامل شک و وهم و یقین می‌شود و نزد آنها عبارت از ادراک مطلق یا حصول صور اشیاء است نزد عقل و آن اعم از صور یقینی و شکی و وهمی است.

به گفته صدرالمتهلین علم عبارت از وجود مجرد است و مانند وجود گاه اطلاق می‌شود بر معنی انتزاعی نسبی مصدری (یعنی عالمیت) که مبدأ اشتقاق عالم است و معلوم و گاه اطلاق می‌شود بر امر حقیقی بسیط خارجی.<sup>۳</sup>

تعریف ابن سینا از علم

ابن سینا در اشارات ادراک را تمثیل حقیقت چیزی نزد مدرک دانسته است و ظاهراً تعریف شامل ادراک مادیات و مجردات می‌شود. وی اعتقاد دارد که خود خارج نمی‌تواند نزد مدرک حاضر باشد پس باید صورت انتزاع شده از خارج نزد فاعل ادراک حاضر شود.<sup>۱</sup>

---

1 ابن رشد، تهافت التهافت، ۵۵۵

2 رازی، مباحث المشرقیه، ۱، ۳۳۱

3 صدرالمتهلین، رسایل، ۲۷۹

## تعریف صدرالمتألهین از علم

صدرالمتألهین در اسفار علم را اینگونه تعریف کرده است: علم امری وجودی است نه عدمی. از این رو، علم، نفسِ مجرد از ماده نیست، زیرا مجرد معنای عدمی دارد. در جای دیگر می‌فرماید: علم که امری وجودی است وجودش بالفعل است. این وجود بالفعل، صرفِ فعلیت است و قوه و عدم در آن نیست. این امر وجودی بسیط و مجرد است. این امر وجودی واحد است و کثرتی ندارد.<sup>۲</sup> وی در «المبدأ و المعاد» می‌گوید: «به گواهی و تأیید تحقیقات گسترده و حدس صحیح و فطرت سلیم و در پرتو تلاش و تتبع و تجارب، این مطلب محقق و مبین می‌گردد که علم عبارت است از حصول شیء مجرد از ماده و عوارض آن برای امر مجردی که مستقل در وجود باشد، خواه این حصول برای خودش (لنفسه) باشد چنانکه در علم حضوری است و خواه این حصول برای غیر (لغیره)، به صورت خود باشد مثل علم حصولی و علم حصولی گاهی حقیقی است همانند علم به غیر که معلوم برای عالم حقیقتاً حاصل شده است و گاهی حکمی است همانند علم به نفس که در این صورت معلوم عین عالم است نه اینکه برای عالم حاصل شده باشد بلکه در حکم حصول برای عالم است، این تعریف علم - و اینکه حصول گاهی حصول لنفسه است و گاهی حصول للغير - در مورد باری تعالی نیز جاری است.<sup>۳</sup>

## تعاریف اصطلاحی وجود

1 ابن‌سینا، الاشارات و التنبیها، ۳۰۸

2 صدرالمتألهین، الاسفار الاربعه، ۳، ۲۹۷

3 همو، المبدأ و المعاد، ۱۴۰

در اینکه آیا وجود را می‌توان تعریف کرد یا نه، میان فلاسفه اختلاف است و اقوال و انظاری اظهار شده که از این قرار است:<sup>۱</sup>

وجود بدیهی‌التصور است و تعریف آن ممکن نیست و حقیقت و کنه آن در نهایت خفا است و نتوان آن را تعریف کرد مگر به تعریف لفظی.<sup>۲</sup>

صدرالمتالهین میان مفهوم و حقیقت وجود فرق گذاشته است و می‌گوید: شکی نیست که در عالم موجوداتی یافت می‌شوند و متحقق و متقرر هستند و این موجودات هر یک دارای حدود و عوارض هستند و هر یک از دیگری به وسیله آن عوارض جدا و ممتاز می‌شوند؛ و در عین حال کلمه «هست» بر همه آنها اطلاق می‌شود و همه آنها در وجود به معنی هستی مشترکند و آن یعنی ما به الاشتراک در همه مفهوم عام اعتباری انتزاعی است که از موجودات متقرر در خارج انتزاع می‌شود، این وجود عام و بدیهی است. بحث و اختلاف اساسی میان حکما این است که غیر از آن مفهوم عام اعتباری بدیهی، امری یا امور دیگری در خارج محققند که به نام وجود خوانده شوند و این مفهوم عام از آنها انتزاع شده باشد یا نه؟ بلکه این مفهوم منتزع از ماهیات متخالفه است اساس اختلاف اصالت وجودی و ماهیتی همین است.<sup>۳</sup>

وجود نزد عرفا

وجود در اصطلاحات صوفیه وجد بدون استشعار به وجد است.<sup>۴</sup>

عراقی گوید: وجود از میان رفتن اوصاف خرد است به واسطه پنهان شدن اوصاف بشریت، زیرا که چون سلطان حق و حقیقت ظهور کند بشریت باقی نماند. وجود را تشبیه به دریا

1 سبحانی، سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ۴، ۲۱۰۲

2 سبزواری، هادی، شرح منظومه حکمت، ۲، ۶۲

3 صدرالمتالهین، الاسفار الاربعه، ۱، ۱۲۰ و صدرالمتالهین، رسایل، ۱۳۲

4 میاچی همدانی، محمد، شرح کلمات باباطاهر، ۱۱۱